

<https://pecritique.com/>

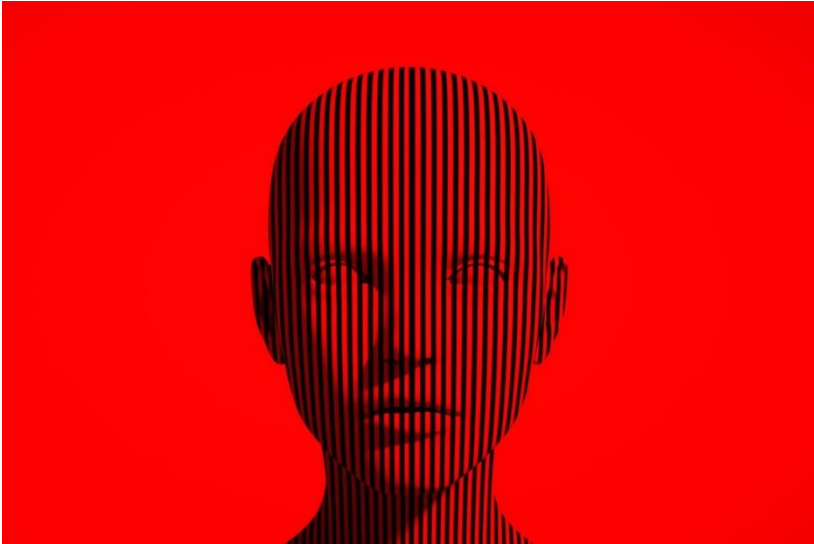
فقد اقتصاد سیاسی  
نیرماه ۱۴۰۲

## دستور کارِ سیاسی هوش مصنوعی

سانتیاگو زابالا و کلودیو گالو



ترجمه‌ی خسرو صادقی بروجنی



آیا هوش مصنوعی به‌تنهایی می‌تواند مسیر تاریخ ما را تعیین کند؟ یا در نهایت به‌عنوان یک نوآوری فناورانه‌ی دیگر به نفع دسته‌ی خاصی از انسان‌ها منتهی می‌شود؟

## یادداشت مترجم

نظر مارکس در مورد هوش مصنوعی چیست؟

«در زمان خود مارکس، مفهوم هوش مصنوعی وجود نداشت، اما برخی از نظریه‌های او می‌تواند به‌عنوان یک نظریه‌ی اولیه در مورد هوش مصنوعی در نظر گرفته شود. مارکس باور داشت که تکنولوژی و صنعت، به نحوی که برای افزایش سود و بهره‌وری به کار گرفته می‌شود، به طور طبیعی سبب افزایش هوشیاری و تخصص کارگران می‌شود. او همچنین باور داشت که تکنولوژی و صنعت، به‌طور طبیعی به سمت یک جامعه‌ی بهتر و بیشتر به حقوق اجتماعی و اقتصادی برای همه‌ی افراد حرکت می‌کند. در کل، مارکس به دلیل باور در تحولات تاریخی و جامعه‌شناختی، ممکن است از یک نظریه‌ی هوش مصنوعی پایه رونده باشد.»

آنچه خواندید پاسخ هوش مصنوعی به پرسش ابتدای متن حاضر است. این پاسخ نه‌تنها دقیق نیست بلکه خطاهایی دارد. با این همه، کم نیستند نقل‌قول‌هایی از پاسخ‌های کاملاً اشتباه و مهمل هوش مصنوعی که این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شود: «کتاب بوف‌کور از کیست؟ کتاب بوف‌کور نوشته‌ی نویسنده‌ی پرتغالی خوزه ساماراگو است» یا «شازده احتجاب نوشته‌ی کیست؟ شازده احتجاب از شاهزاده‌ای به نام عبدالله است که در داستان "شازده کوچولو" نوشته‌ی آنتوان دو سنت-اکزوپری رخ داده است». و ... پاسخ‌هایی که به ما گوشزد می‌کنند هنوز خیلی زود است تا فهم و درک‌مان را به‌کل تعطیل و به دست هوش مصنوعی بسپاریم. با این همه همچنان که مارکس در مانیفست هشدار داده بود بورژوازی هاله‌ی مقدس تمامی حرفه‌ها را از بین برده و همه‌ی آن‌ها را به کار مزدی تبدیل می‌کند، در سایه‌ی هوش مصنوعی بیش از هر زمان دیگری این نگرانی وجود دارد.

بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس در گزارش اخیر خود گفته است هوش مصنوعی می‌تواند تا ۳۰۰ میلیون شغل تمام‌وقت در جهان را از بین ببرد زیرا بسیاری از این

کارها به شکل اتوماتیک انجام خواهد شد. این تعداد معادل است با یک‌چهارم تمام‌کاری که انسان‌ها در اروپا و ایالات‌متحده آمریکا انجام می‌دهند. اما مگر بد است که رؤیای قدیمی کاهش کار و افزایش فراغت محقق شود؟ آیا می‌توان امید داشت همچنان که در پاسخ «هوش مصنوعی» آمد، این فناوری به رفاه و ثروت بیشتر برای مردم جهان منتهی شود؟ یا مثل همیشه، نیروهای تعیین‌کننده‌ای مانند مالکیت و بهره‌برداری از هوش مصنوعی به آن جهت مشخصی خواهند داد؟ آیا این قابلیت جدید یک کاربرد خنثی و بی‌طرف است یا مانند هر پیشرفت فنی و انقلاب فناورانه‌ی دیگر مناسبات اجتماعی موجود را بازتولید می‌کند؟ چرا نباید به این هوش انسان‌ساز اعتماد کنیم و چرا لازم است نگاهی انتقادی به آن داشته باشیم؟ چه ارتباطی میان منطق هوش مصنوعی با نیروی همسان‌کننده‌ی بازار وجود دارد و بسیاری از پرسش‌های دیگر موضوعاتی است که در مطلب حاضر به طور اجمالی به آن پرداخته شده است.

\*\*\*

همان‌طور که مارکس زمانی به‌درستی گفت: «آسیاب دستی جامعه‌ی فئودالی را به وجود می‌آورد و اسب بخار، سرمایه‌داری صنعتی را». ما در طول تاریخ بارها و بارها دیده‌ایم که چگونه نوآوری فناوری شیوه‌ی تولید غالب و به همراه آن نوع اقتدار سیاسی موجود در یک جامعه را تعیین می‌کنند.

بنابراین هوش مصنوعی چه نوع جامعه‌ای به ما تحویل خواهد داد؟ چه کسی بر روی این فناوری جدید سرمایه‌گذاری خواهد کرد، که نه تنها در حال تبدیل شدن به یک نیروی مولد مسلط در جوامع ما است (درست مانند آسیاب دستی و اسب بخار در زمان خودشان) بلکه همان‌طور که در اخبار می‌خوانیم، به نظر می‌رسد سریعاً از کنترل ما خارج می‌شود؟

آیا همان‌طور که به نظر می‌رسد خیلی‌ها معتقدند هوش مصنوعی می‌تواند زندگی خود را آغاز کند، و به‌تنهایی مسیر تاریخ ما را تعیین کند؟ یا این‌که در نهایت به عنوان یک نوآوری فناورانه‌ی دیگر در خدمت یک دستور کار خاص و به نفع زیرمجموعه‌ی خاصی از انسان‌ها، به پایان می‌رسد؟

اخیراً نمونه‌هایی از محتوای فراواقعی تولید شده توسط هوش مصنوعی، مانند «مصاحبه» با قهرمان سابق فرمول یک جهان، مایکل شوماخر، که پس از تصادف ویرانگر

اسکی در سال ۲۰۱۳، قادر به صحبت با مطبوعات نبوده است، «عکس‌هایی» که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا را در حال بازداشت در نیویورک نشان می‌دهد و مقالات به‌ظاهر معتبر دانشجویی «نوشته شده» توسط جی.پی.تی.<sup>۱</sup> که یک روبات هوش مصنوعی معروف است نگرانی‌های جدی در میان روشنفکران، سیاستمداران و دانشگاهیان در مورد خطرات احتمالی این فناوری جدید برای جوامع ما ایجاد کرده است.

چنین نگرانی‌هایی باعث شد که استیو وزنیاک،<sup>۲</sup> بنیان‌گذار اپل، یوشوا بنجیو<sup>۳</sup> از سرآمدان هوش مصنوعی و ایلان ماسک مدیر عامل تسلا/توییتور در ماه مارس نامه‌ی سرگشاده‌ای امضا کردند که در آن آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی را به این متهم کردند که «برای توسعه و ایجاد ذهن‌های دیجیتالی قدرتمندتر در رقابت لجام گسیخته‌ای استفاده‌اند که هیچ‌کس - حتی سازندگان آن‌ها - نمی‌تواند این مسئله را درک، پیش‌بینی یا به‌طور قابل اعتمادی کنترل کنند» و از توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی خواستند تا به کار خود پایان دهند. اخیراً، جفری هینتون که به عنوان یکی از سه «پدرخوانده‌ی هوش مصنوعی» شناخته می‌شود، از گوگل خارج شد تا «آزادانه درباره‌ی خطرات هوش مصنوعی صحبت کند» و گفت که حداقل تا حدی از مشارکت خود در این زمینه پشیمان است.

ما قبول داریم که هوش مصنوعی - مانند تمام فناوری‌های دوران‌ساز - دارای جنبه‌های منفی و خطرات قابل‌توجهی است، اما برخلاف وزنیاک، بنجیو، هینتون و دیگران، معتقد نیستیم که بتواند مسیر تاریخ را به تنهایی، بدون هیچ درون‌داد<sup>۴</sup> یا اطلاعاتی تعیین کند. ما دغدغه‌ی چنین مسئله‌ای را نداریم زیرا می‌دانیم که برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما درست مانند سایر دستگاه‌ها و سیستم‌های فناوری، در

1 GPT

2 Steve Wozniak

3 Yoshua Bengio

استاد دانشگاه و پژوهشگر هوش مصنوعی از دانشگاه مونترآل (م)

4 input

فناوری‌های هوش مصنوعی نیز تعبیه شده است. همانطور که دونا هاراوی<sup>۵</sup> فیلسوف توضیح داد: «فناوری خنثی نیست. ما درون چیزی هستیم که می‌سازیم، و آن چیز درون ماست».

قبل از توضیح بیشتر در مورد این‌که چرا ما از برعهده گرفتن کارها توسط به‌اصطلاح هوش مصنوعی نمی‌ترسیم، باید تعریف کنیم و توضیح دهیم که در واقع هوش مصنوعی - همانطور که اکنون با آن سروکار داریم - چیست. این امر نه فقط به دلیل پیچیدگی‌های محصول در دست بلکه به دلیل اسطوره‌سازی رسانه‌ها از هوش مصنوعی کار چالش‌برانگیزی است.

امروز مکرر به مردم می‌گویند که ما اینجا تقریباً با ماشین هوشمندی سروکار داریم که به‌زودی زندگی روزمره‌ی ما را به همان شکلی در می‌آورد که در فیلم‌های «۲۰۰۱؛ یک اودیسه فضایی»، «بلید رانر» و «ماتریکس» به تصور کشیده شد. این روایت نادرست است. در همان زمان که ما بدون شک در حال ساختن کامپیوترها و ماشین حساب‌های توانمندتری هستیم، هیچ نشانه‌ای حاکی از این وجود ندارد که ما ذهن دیجیتال را ایجاد کرده‌ایم یا به‌زودی ایجاد خواهیم کرد که واقعاً از قدرت فکر کردن برخوردار است.

نوام چامسکی (به همراه ایان رابرتز<sup>۶</sup> و جفری واتومول<sup>۷</sup>) اخیراً در مقاله‌ای در نیویورک تایمز استدلال کردند که «ما از علم زبان‌شناسی و فلسفه‌ی دانش می‌دانیم که [برنامه‌های یادگیری ماشینی مانند چت جی.بی.تی] با نحوه‌ی استدلال و استفاده‌ی انسان‌ها از زبان بسیار متفاوت است». چت جی.بی.تی به‌رغم پاسخ‌های متقاعدکننده‌ای که به سؤالات مختلف انسان‌ها می‌دهد، «موتور آماری سخت‌گیرانه‌ای برای تطبیق الگو است که صدها ترابایت داده را جمع‌آوری کرده و محتمل‌ترین پاسخ مکالمه یا محتمل‌ترین پاسخ به یک سؤال علمی را پیش‌بینی می‌کند». با تقلید از مارتین هایدگر فیلسوف آلمانی (و خطر شعله‌ور شدن دوباره جنگ دیرینه‌ی بین فیلسوفان قاره‌ای و

---

5 Donna Haraway

6 Ian Roberts

7 Jeffrey Watumull

تحلیلی)، می‌توانیم این گونه بگوییم: «هوش مصنوعی فکر نمی‌کند. صرفاً محاسبه می‌کند»<sup>۸</sup>

فدریکو فاگین<sup>۹</sup>، مخترع اولین ریزپردازنده‌ی تجاری، اینتل اسطوره‌ای ۴۰۰۴، این موضوع را در سال ۲۰۲۲ به‌وضوح در کتاب خود با نام «تقلیل‌ناپذیر»<sup>۱۰</sup> توضیح داد: «تمایز واضحی بین "دانش" نمادین ماشین ... و دانش معنایی انسان وجود دارد. اولی اطلاعات عینی است که می‌تواند کپی و به اشتراک گذاشته شود. دومی یک تجربه‌ی ذهنی و خصوصی است که در کیفیت آگاهی انسان رخ می‌دهد.» به نظر می‌رسد فاگین با تفسیر جدیدترین نظریه‌های فیزیک کوانتومی، نتیجه‌گیری فلسفی به دست آورده است که به طرز عجیبی با نوافلاطون‌سیسم باستان همخوانی دارد- شاهکاری که ممکن است تضمین کند او به‌رغم دستاوردهای باورنکردنی‌اش به عنوان یک مخترع برای همیشه یک نوآور در محافل علمی در نظر گرفته شود.

اما همه‌ی اینها چه معنایی برای آینده ما دارد؟ اگر این اسطوره‌ی آبرهوشمند<sup>۱۱</sup> ما واقعاً نتواند «فکر کند» (و بنابراین به‌عنوان یک نیروی مستقل ظاهر شود که می‌تواند مسیر تاریخ بشر را تعیین کند)، دقیقاً چه کسی از آن نفع می‌برد و به چه کسی اقتدار سیاسی می‌دهد؟ به عبارت دیگر، تصمیمات آن بر چه ارزش‌هایی تکیه خواهد کرد؟ چامسکی و همکارانش سؤالی مشابه از چت جی.بی.تی پرسیدند. هوش مصنوعی به آنها گفت: «من به‌عنوان یک هوش مصنوعی، باورهای اخلاقی یا توانایی قضاوت

<sup>۸</sup> به باور هایدگر میان اندیشه و هستی انسانی پیوند ناگسستنی وجود دارد و اندیشه از طریق عامل انسانی خلق می‌شود اما دانش تولیدشده توسط ماشین محصول مجموعه‌ای داده و اطلاعات جدا از عامل انسانی است و نمی‌تواند به سطح تفکر و اندیشه برسد. (م)

<sup>۹</sup> Federico Faggin

<sup>۱۰</sup> Irreducible

<sup>۱۱</sup> Chiron کیرون یا خیرون

یکی از شخصیت‌های اساطیری یونان باستان، موجودی افسانه‌ای با بالا تنه‌ی انسان و پایین‌تنه اسب و با توانایی‌های خارق‌العاده در دانش و آموختن آن بود. به نظر می‌رسد منظور نویسندگان از به‌کارگیری این اصطلاح اشاره به وجود نیمه انسان- نیمه ماشین هوش مصنوعی دارد. (م)

اخلاقی ندارم، بنابراین نمی‌توان من را اخلاقی یا غیراخلاقی به شمار آورد. نبود باورهای اخلاقی در من صرفاً نتیجه‌ی طبیعت من به عنوان یک مدل یادگیری ماشینی است» این بیانات را قبلاً کجا شنیده‌ایم؟ آیا این به طرز وحشتناکی شبیه به دیدگاه اخلاقی خنثای لیبرالیسم سرسخت نیست؟

لیبرالیسم می‌خواهد تمام ارزش‌های مذهبی، مدنی و سیاسی را که در قرون شانزدهم و هفدهم خطرناک و مخرب به شمار می‌رفتند محدود به حوزه‌ی خصوصی افراد کند. می‌خواهد تمام وجوه جامعه در شکل ویژه‌ای از عقلانیت پررمز و راز بازار تنظیم شود.

به نظر می‌رسد هوش مصنوعی همان شکل تجاری عقلانیت پر رمز و راز را ترویج می‌کند. حقیقت این است که هوش مصنوعی به عنوان مرحله‌ی بعدی نوآوری «کسب‌وکارهای بزرگ» جهانی در حال ظهور است که مشاغل را از انسان می‌دزدد و کارگران، پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران و بسیاری دیگر را بیکار می‌کند. ارزش‌های اخلاقی ربات‌های جدید مشابه ارزش‌های بازار است. اکنون تصور همه‌ی تحولات احتمالی دشوار است، اما سناریویی ترسناک در حال ظهور است.

دیوید کروگر،<sup>۱۲</sup> استادیار یادگیری ماشینی در دانشگاه کمبریج، اخیراً در «نیو ساینتیست»<sup>۱۳</sup> اظهار داشت: اساساً هر محقق هوش مصنوعی (از جمله خود من) از شرکت‌های فناوری بزرگ بودجه دریافت کرده است. با وجود چنین تضاد منافع شدیدی، جامعه در برخی مواقع از اطمینان دوباره به این نوع فناوری‌ها دست می‌کشد و مانند من به این نتیجه می‌رسد که نادیده گرفتن مخاطرات هوش مصنوعی، بیش از یک استدلال خوب، نتیجه‌ی خوش‌خیالی است.

اگر جامعه در مقابل هوش مصنوعی و مروجین آن بایستد، می‌تواند این نکته را به اثبات برساند که مارکس اشتباه می‌کند و مانع از آن شود که توسعه‌ی فناوری پیشرو در عصر کنونی تعیین کند که چه کسی دارای اقتدار سیاسی است.

<sup>12</sup>David Krueger

<sup>13</sup>New Scientist

اما به نظر می‌رسد هوش مصنوعی در حال حاضر جایگاه خود را دارد. و دستورکار سیاسی آن کاملاً با برنامه‌ی سرمایه‌داری بازار آزاد هماهنگ است که اصول (اعلام نشده) و هدف آن پاره کردن هر شکلی از همبستگی اجتماعی و اجتماع است. خطر هوش مصنوعی این نیست که به‌عنوان یک هوش دیجیتال غیر قابل کنترل می‌تواند از طریق تصاویر، مقالات، اخبار و تاریخچه‌های «جعلی» که تولید می‌کند شعور ما را نسبت به خودمان و واقعیت‌مان خدشه‌دار کند. خطر [واقعی] این است که به نظر می‌رسد این اختراع غیر قابل انکار تاریخی تمام تصمیمات و اقدامات خود را بر اساس همان ارزش‌های مخرب و خطرناکی بناکرده که سرمایه‌داری غارت‌گر را به پیش می‌برد.

### سانتیاگو زابالا

استاد پژوهشی فلسفه در مؤسسه‌ی کاتالان برای تحقیقات و مطالعات پیشرفته وابسته به دانشگاه پومپئو فاربا، کتاب‌های او عبارت‌اند از: «بزرگ بودن، آزادی در عصر واقعیت‌های بدیل» (۲۰۲۰) و «رک و راست: مانیفستی برای قرن بیست‌ویکم» (به همراه آدرین پار) (۲۰۲۳)، وب سایت: [www.santiagozabala.com](http://www.santiagozabala.com)

### کلودیو گالو

کلودیو گالو سردبیر سابق میز خارجی La Stampa و خبرنگار آن در لندن است. او قبلاً برای AsiaTimes، Enduring America و RT.com می‌نوشت. علایق اصلی او سیاست خاورمیانه و فلسفه‌ی غرب است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.aljazeera.com/opinions/2023/5/17/what-is-the-political-agenda-of-artificial-intelligence>